

یگانه سنت

مجموعه حکمت جاویدان | ۲ |



این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Only Tradition,
William W. Quinn,

State University of New York Press, 1997.

کوئین، ویلیام دبلیو، ۱۹۴۷ - م

Quinn, William W.

یگانه‌سنت

تهران: حکمت، ۱۳۹۴

۵۰۰ ص

شابک: 978-964-244-136-5

فبیای مختصر

فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشان <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است

قاسمیان، رحیم، ۱۳۳۱ -

عنوان اصلی: The Only Tradition

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۸۰۲۷۶۰



تشریات حکمت

تهران، خیابان انقلاب، ابتدای ابوریحان، شماره ۹۴، کدپستی ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۴

تلفن: ۴۶۱۲۹۲، ۷۹۷۰۰۶۶۴، ۶۶۴۰۶۵۰۵، فکس: ۶۶۴۰۶۵۰۵

سامانه پیام کوتاه: ۰۹۸۷۰۹۵۰۲۱۶

www.hekmat-ins.com

info@hekmat-ins.com

یگانه سنت

ویلیام کونین

مترجم: رحیم قاسمیان

ویراستار و دبیر مجموعه: حسین خندقی آبادی

چاپ اول: ۱۳۹۵/ش ۱۴۳۷ق

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۴-۱۳۶-۵

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه فرهنگی هنری حکمت

چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر کیمیای حضور

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی،

الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

فهرست

۱۳	پیش‌گفتار
۲۱	سپاس‌گزی
۲۵	اختصارات

بخش نخست: پس‌زمینه و مقدمات

۲۹	۱. درآمد
۳۵	۲. سنت
۳۶	آناندا کوماراسوامی
۳۸	رنه گنون
۴۰	سنت به مثابه فلسفه جاویدان
۴۴	مابعدالطبیعه در برابر مطالعات دینی و علوم اجتماع
۴۹	۳. هرمنوتیک سنت
۴۹	مشرب باطنی در ادیان جهانی
۵۳	نظام سلسله‌مراتبی
۵۷	«دانستن چیزی» و «چیزی دانستن»
۶۱	یکپارچگی سنت‌ها و «اسپرانتوی دینی»
۶۵	۴. کانون‌های چشم‌انداز سنت‌گرایانه
۶۶	فرانسه
۶۸	انگلستان
۷۰	آمریکای شمالی
۷۴	ایران

۷۵	کانون جهانی واحد
۷۷	افرادی که تحت تأثیر قرار گرفتند
۸۳	۵. جمع اعداد کیفیت و کمیت
۸۴	ماهیت کمیت
۸۷	ماهیت کیفیت
۸۹	رابطه درونی کیفیت و کمیت
۹۲	کیفیت و سنت
۹۷	یادداشت‌های بخش نخست

بخش دوم: اصل‌ها و توازی‌ها

۱۰۹	۶. فلسفه جاویدان
۱۱۴	مفهوم فلسفه جاویدان در فلسفه مدرن
۱۲۰	اصطلاح فلسفه جاویدان در فلسفه غرب
۱۲۵	معنای فلسفه جاویدان در فلسفه مدرن
۱۳۱	فلسفه جاویدان: فلسفه مدرن و سهم آن از سنت
۱۳۹	۷. تنوسوفیا
۱۴۲	۱. تنوسوفیای کهن
۱۴۲	مفهوم
۱۴۶	اصطلاح
۱۵۱	توالی تاریخ تنوسوفیست‌ها و جلوه تنوسوفیک
۱۵۶	۲. تنوسوفی مدرن
۱۶۵	کوماراسوامی و تنوسوفی مدرن
۱۶۹	گونون و تنوسوفی مدرن
۱۷۵	۸. اصول اولیه
۱۸۰	مطلق و واحد
۱۸۵	ازلیت
۱۸۹	ادواری بودن
۱۹۷	قطبی بودن، دوگانگی، وحدت اعداد
۲۰۲	علت و معلول
۲۰۶	گنوس‌شناسی
۲۱۳	یادداشت‌های بخش دوم

بخش سوم: فرهنگ سنتی

۲۳۱	۹. فرهنگ سنتی بدوی
۲۳۲	بررسی های مقدماتی
۲۳۵	دیدگاه تعصب آمیز درباره فرهنگ بدوی
۲۴۲	دیدگاه بلند نظانه درباره فرهنگ بدوی
۲۵۰	دیدگاه سنت گرایانه درباره فرهنگ بدوی
۲۵۵	۱۰. فرهنگ سنتی پیشرفته
۲۵۷	مابعدالطبیعه پیشرفته
۲۶۰	ساختار اجتماعی
۲۶۳	هنر و صنایع دستی
۲۶۶	کار و بازی
۲۶۹	اصل ادغام فرهنگ سنتی
۲۷۴	عناصر نابهنجار فرهنگ سنتی
۲۷۹	۱۱. مقایسه فرهنگ سنتی بدوی فرهنگ سنتی پیشرفته
۲۷۹	درآمد
۲۸۱	«میزان» پیشرفت و تجلی ادوار»
۲۸۵	ناهمبستگی های بنیادین
۲۹۰	همبستگی های بنیادین
۲۹۴	جهان مسیحی قرون وسطا (۱۱۰۰-۱۴۰۰)
۲۹۷	مابعدالطبیعه پیشرفته
۳۰۰	ساختار اجتماعی
۳۰۳	هنرها و صنایع دستی
۳۰۶	کار و بازی
۳۰۹	ادغام
۳۱۳	یادداشت های بخش سوم

بخش چهارم: فرهنگ مدرن

۳۲۹	۱۲. درآمد
۳۴۱	۱۳. از دست داده ها و به دست آورده های جهان بینی غربی
۳۴۴	از دست دادن امر قدسی، به دست آوردن امر سکولار

- ۳۴۸ از دست دادن ارزش، به دست آوردن معنا
- ۳۵۱ از دست دادن هنر و حرفه، به دست آوردن بازآفرینی و صنعت
- ۳۵۴ از دست دادن مابعدالطبیعه، به دست آوردن ماتریالیسم
- ۳۵۹ از دست دادن یکپارچگی، به دست آوردن تنوع
- ۳۶۳ ۱۴. اثرات فرهنگی مدرنیته
- ۳۶۵ مونتازی از پایه‌های فساد
- ۳۷۲ روان‌رئوس‌جوری فراگیر
- ۳۷۶ مدرنگی اصطلاح‌شناختی و آموزشی
- ۳۷۹ جامعه‌پرستی
- ۳۸۶ کودگ جنرال ابر فرهنگ
- ۳۹۱ ۱۵. «راه ملی»: بی‌نام‌لامات مدرنیته
- ۳۹۳ رستگاری فنا، به خیا خام بزرگ
- ۳۹۷ راه‌حل سنت‌گراانه
- ۴۰۴ جهانی شدن: آگاهی و فرهنگ
- ۴۰۹ یک فرهنگ جهانی سنت‌گرایانه، نظم نوین اعصار
- ۴۱۹ یادداشت‌های بخش چهارم
- ۴۳۱ ضمیمه الف: سنت: تعاریف و کاربردها
- ۴۴۵ ضمیمه ب: فرهنگ
- ۴۵۳ ضمیمه پ: هستی‌شناسی
- ۴۵۹ ضمیمه ت: روش‌شناسی (یا روش‌شناسی قوم‌مدارانه)
- ۴۶۷ یادداشت‌های ضمیمه‌ها
- ۴۷۱ کتاب‌شناسی
- ۴۸۵ نمایه

پیش‌گفتار

بیشتر آدم‌ها در تفکر در غرب مدرن نگران حال و آینده‌اند، اگر عملاً درباره آنها دچار اضطراب یا افسردگی نباشند. مردم تشویق می‌شوند تا، صرفاً بر اساس تقابل با آنچه غالب است، با زسل صادقانه به تجلیات زیبایی در شکل‌های گوناگون آن، نیکوکاری و از خردگشتگی را در چارچوب‌های فردی یا گروهی یاد بگیرند. افزون بر آن، انکار نمی‌توان کرد که هر کسی دوره‌های نشاط، شادمانی، لحظات خوش و حتی خوش‌بینی‌های گاهگاهی را تجربه می‌کند. اما همه اینها در دوره‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم نوعاً رودکنند و در نهایت آن‌گاه که هوش و حواس مردم دوباره شب و روز با مشکلات غالب و طاقتهای ملایم با مدرنیته این ایام — که مشکلات آن واقعاً همتایی در تاریخ ندارد — را ادامه بقا در آن درگیر می‌شود رنگ می‌بازند.

این مردم، در دورنمای مدرنیته، به پیرامون خود می‌نگرند. در چارچوب زندگی روزانه خود زوال مستمر ارزش‌ها، اخلاقیات و رفتارهای «حالات گرایانه» را می‌بینند. آنان شاهد سلطه بارز ماتریالیسم و سکولاریسم و فقدان نهایی امر قدسی‌اند. مردم می‌بینند که هم شرکت‌های خصوصی و هم نهادهای دولتی‌شان، به انضمام رهبران و قانون‌گزاران‌شان، به انگیزه بی‌رحم و گاه بی‌ریشه کسب پول و قدرت، سود گروه‌های خاصی را تضمین می‌کنند و در این رهگذر اغلب هر آنچه را که به صلاح کل جامعه است فدا می‌کنند. آنان شاهد نهایت اوج‌گیری پیچیدگی در این مؤسسات همراه با رشد پایه‌های تخصصی شدن‌اند و آن را در عین خیرت و

دل‌سردی تجربه می‌کنند. آنان شاهد حضور فراگیر برهنگی بی‌پروا، چه در عرصه‌های سرگرم‌سازی و چه به‌صورت نوعی تمهید جهانی فروش کالا، هستند. مردم همه‌جا شاهد خشونت پراکنده و بی‌دلیل‌اند. آنان شاهد رشد آمار جنایت‌اند، که به‌سبب ناکامی نظام قضایی در مواجهه با آنها روز به روز بدتر می‌شود. آنان شاهد تنش‌ها و سست شدن روابط میان زن و مردند؛ آنها شاهد فروپاشی واقعی خانواده، ای هسته‌ای و انسجام خانواده و تعمیم آن تا تأثیر نهایی این عناصر بر اندام جامعه، می‌ماند. این افراد نگران سرنوشت آینده فرزندان خود و فرزندان آنان‌اند. آنان شاهد ظهور بیماری‌های تازه و بازگشت دوباره بیماری‌های قدیمی، باکتری‌های برگبار، ریزوس‌های عجیب و غریب‌اند؛ گسترش مصرف مواد مخدر و اعتیاد را می‌بینند و آنچه شد مستمر آمار خودکشی به‌موازات افزایش آمار اعتیادند. آنان از تکرار آوارگی و مدامات وحشتناک تروریستی و افزایش آن، هرج و مرج و قتل‌عام‌های وحشیانه در جنم‌های منطقه‌ای و «پاکسازی‌های قومی» باخبر می‌شوند. آنان به جای آنکه شاهد زوال ریاکاری‌های نژادپرستانه و تعصبات دینی باشند، شاهد اوج‌گیری آنها هستند. شاهد تأثیرات بنیادین رشد بی‌رویه جمعیت و افزایش قطعی، بی‌خانمانی و سوء‌مستفاده‌های بیش از حد و جبران‌ناپذیر از منابع طبیعی و نابسامانی‌های ناشی از آن‌اند. آنان شاهد آلودگی واقعی محیط‌زیست دور و بر خودند و از انهدام مستمر جنگل‌های استوایی (بارانی)، منابع صید ماهی و زیست‌محیط تأسف می‌خورند. آنان هنوز، اگر نه به احتمال، اما به امکان تضاد هسته‌ای که می‌تواند آغازگر برخورد اتمی در جهان و در پی آن آغاز انهدام قطعی دوطرفه باشد باور دارند.

همان آدم‌های متفکر در ضمن احساس می‌کنند که تاریخ صرفاً خرد را تکرار نمی‌کند، بلکه عصر ما عصری یگانه است که در آن تمام این مشکلات همه به هم ارتباط دارند و هر سال که می‌گذرد اوضاع نه بهتر، بلکه کمی وخیم‌تر می‌شود و هیچ راه قابل پیش‌بینی‌ای برای خروج از این بن‌بست وجود ندارد، مگر با وقوع یک یا چند مورد از رخدادهای عظیم و هشداردهنده آخر زمانی در ابعاد جهانی که احتمال وقوع آن از طریق یکی از چند بدیل ممکن وجود دارد. این افراد، بدون

موفقیتی چشمگیر، در پی دستیابی به پاسخ پرسش‌های خویش و یافتن راه‌حل‌های مشکلات خود، به روان‌شناسی عامه‌پسند یا به کلیساهای‌شان مراجعه می‌کنند که آنها هم، در این عصر و زمانه، جز راه‌حل‌های عقل‌گرایانه و لاجرم سردرگم‌دینی چیز دیگری عرضه نمی‌دارند. این افراد از سوی دیگر در پی معنا، نظم، هدف و جهت‌گیری هم هستند تا در برابر اضطراب‌ها، دلشوره‌ها و نسبی‌گرایی اخلاقی حاکم بر زندگی خود، که ماحصل تأثیرات جمعی و بسیار عظیم همه این شرایط تضییع‌کننده است، به آرامش و سکون برسند. آنان برای خمودی و ناخوشی عظیم روحی به دنبال آرامش می‌گردند.

این پرسش، که پیشانی‌شروع هم هست، پیش می‌آید که آیا کتابی که تا حدودی، تنها بر چند دیدگاه نگران‌کننده و بدبینانه‌ای دربارهٔ موقعیت انسان نوشته شده است ارزش خواندن دارد؟ آیا سودمندتر نخواهد بود که به خوش‌بینی و دلگرمی متوسل شویم و آن را چنان پادزهری در برابر فلاکت و رنج معنوی، اجتماعی و مادی ناشی از مدرنیته به کار ببریم؟ پاسخ به این پرسش را هیوستن اسمیت^۱ داده است که در کتاب «انسان به‌روز»^۲ می‌نویسد: «شرح موقعیت امروز انسان می‌تواند بسیار تلخ و سیاه باشد؛ است بدبینی پیش از صحبت از اینکه آیا می‌توان این وضعیت را بهتر کرد یا نه مطرح نمی‌شود».

در نتیجه، این پرسش پیش می‌آید که آیا این مسائل پاسخی هست که بتواند راه‌حلی برای این مشکلات فراهم آورد؟ آیا راهی سوای فروپاشی یا ویرانگری نظام‌مند وجود دارد؟ آیا وضعیت جدید بشر را می‌توان چاره کرد یا برای این کار دیر شده است؟ آناندا کوماراسوامی^۳ ورنه‌گنرین^۴ به این پرسش‌ها پاسخ مثبت و دلگرم‌کننده‌ای داده‌اند. آنان می‌گویند چنین پاسخ «بی‌وجود دارد و آنها را باید در نوک قله کوه‌ها پیدا کرد، ولی دسترسی به آنها فقط برای افرادی امکان‌پذیر است که از پیش آماده یا حاضر باشند که این مسیر دشوار دستیابی به

1. Huston Smith

2. *The Religions of Man*

3. Ananda Coomaraswamy

4. René Guénon

قله را طی کنند. پیمودن این راه آسان نیست. برای دسترسی تضمین شده به موفقیت نه قوانین جزمی خاصی هست که باید پذیرفت و نه سازمانی که به آن باید پیوست. تنها باید آماده بود و فراگرفت، مطالعه کرد و استقامت نشان داد. پاسخ اجمالی به این پرسش‌ها را به‌طور ساده چنین می‌توان بیان کرد: تمام دردها و مشکلات غرب مدرن و در واقع جهان مدرن را با «کاربرد ایجابی اصول اولیه در شرایط حادث» می‌توان علاج کرد. اما معنای این جمله چیست؟ بسیاری از جماعت متفکر غرب مدرن نیز از این عارضه که به رضایت‌خاطر آتی تعلق خاطر یافته‌اند رنج می‌برند: آن در پی آن‌اند که برای هرچیز بلافاصله پاسخی آتی و کوتاه بیابند و تأیید تدریجی را سرار نیز «اصول اولیه» مابعدالطبیعی برای آنان کفایت نمی‌کند.

درصدی از خوانندگان این کتاب را خواهند خواند تا معنای عبارت مشخص شده فوق را دریابند. از میان کسانی که این کار را خواهند کرد عده‌ای هم خواهند بود که این کتاب را به شک و دشوار بیابند. اگر این امر ناشی از کوتاهی‌های صاحب این قلم در تلاش برای ارائه اندیشه‌های محوری، اصول و جهان‌بینی سنت باشد که در قالب آسان و آسوامی و گنون عرضه شده است، پوزش می‌طلبم. اما خود این مطالب هم آسان نیستند، به‌ویژه که باید این نکته را هم مدنظر قرار داد که ذهنیت غربی مدرن نیز آسان و سطحی تجربی و منحصرراً عقلانی عمل می‌کند و به این سو تمایل دارد که ادیان نخستین سنت را — در اولین مواجهه با آن — به بهترین حالت غیرقابل درک و در بدترین حالت غیر منطقی و در هر دو حالت غیرقابل قبول ارزیابی کند. به خواننده‌ای که سوزناک و ذهنش معنای کامل گزاره داخل گیومه فوق را به‌تمام و کمال درک نمی‌کند، باید این حال خود را ملزم می‌داند که برای درک آن تلاش کند می‌گویم که صرف کامل و همه‌جانبه این عبارت اراده و زحمت زیادی می‌طلبد. اما مگر جز این است که هیچ چیز ارزشمندی آسان به‌دست نمی‌آید؟

صاحب این قلم قصد ندارد که اگر مطلب ارزشمندی در این کتاب پیدا شد اعتبار آن را به خود اختصاص دهد. تمام نکات ارزشمندی که لابه‌لای اوراق این کتاب پیدا می‌شود ماحصل قدرت — و در واقع درخشش — شرح و تفصیل‌هایی

است که از کوماراسوامی و گنون در آن قید شده است. افزون بر آن، خواننده باید در وهله اول به این کتاب صرفاً به عنوان خلاصه‌ای از سنت نظر افکند که این دو تن آن را شرح کرده‌اند، و سپس آن را دعوتی برای ارجاع مستقیم به اصل نوشته‌های آنان به حساب آورد. و اگر خواننده، پس از آن، هنوز نتوانست این آرا را به خوبی دریابد و اندک‌اندک شروع به درک آنها کند، در آن صورت نباید دست از تلاش بردارد، بلکه باید دوباره کتاب را بخواند و افزون بر آن، آثار نویسندگان دیگری چون ریتیف شوان^۱ و سیدحسین نصر را مطالعه کند.

این کتاب صرفاً برای دانشگاهیان یا متخصصان فن نگاشته نشده است. کتاب به نحوی ساده‌انگارانه نوشته شده است که سال‌ها آموزش در این عرصه را بدیهی فرض نکند و به همین خاطر شاید بیش از آنچه باید، حاوی بحث‌های مقدماتی و تعریف مبانی و اصطلاحات و واژه‌های اصلی است. احتمالاً یکی از دلایل اینکه برخی این کتاب را سنگین و خشک یافته‌اند همین باشد، اما راقم این سطور امیدوار است با توسل به این شیوه بتواند مخاطبان فکور گسترده‌ای را طرف خطاب قرار دهد، کسانی که احساس کنند یافتن پاسخ این پرسش‌های همیشگی نه تنها نیازمند توسعه معنوی فرد است، بلکه سون فرهنگی متناسب با آن و همچنین ارتباط متقابل میان آن دو را می‌طلبد.

به بیان دقیق‌تر، این کتاب حاوی هیچ «بحث» خاصی مناسب رسم رایج در فضا‌های دانشگاهی نخواهد بود که در آنها از تک‌تاری‌هایی مثل این انتظار می‌رود که حاوی طرفداری از برنامه‌ای خاص به علاوه ارائه تجربه یا نتیجه‌گیری مبتنی بر داده‌های موجود و / یا تازه باشند. افزون بر آن، این کتاب به زعمت حاوی یک نظریه است، مگر اینکه منظور ما از چنین چیزی مدارک تاریخی ضبط‌شده درباره وجود سنتی باطنی و نخستین مبتنی بر مجموعه‌ای از اصول اولیه از پیش موجود و ثابت باشد، که هم امروز و هم همیشه بر حق بوده و در همه‌جا و در تمام ادوار تاریخی شارحان خود را داشته است و دو تن از بزرگ‌ترین شارحان غربی آن در نیمه نخست سده بیستم کوماراسوامی و گنون بوده‌اند. در نظر شاگردان فعلی

سنت گزاره‌ای که در بالا در گیومه آمد، بیش از آنکه نظریه باشد، صرفاً بیانیه‌ای سرراست و واضح از حقیقتی عینی است. اما در نظر کسانی که مفهوم چنین سنتی، یگانه‌سنت، اولین بار برای آنها مطرح می‌شود، این گزاره شاید نظریه‌ای عظیم بیاید که میزان درک و دریافت آن یا، به بیان دقیق‌تر، به خاطر آوردن آن به میزان شهود عقلی خواننده از چنین موضوعی بستگی دارد.

واقعیت کلام این است که این کتاب برای دسته دوم خوانندگان و نه دسته اول آن نوشته شده است. طبعاً راقم این سطور امیدوار است که کوشش‌های او کاربرد نواید علمی، برای آن دسته از خوانندگانی هم که اکنون خود از دانش‌آموزان سنت‌اند، داشته باشد. اما امید بزرگ‌تر آن است که این کتاب بتواند مقدمه و راهنمای کسانی باشد که عزم خود را جزم کرده‌اند تا درباره تازہ‌ترین و درخشان‌ترین شرح سنت از زبان کوماراسوامی و گشودن اطلاعات کسب کنند. «فهم کن تا باور آوری». امید آن است که این خوانندگان - تکرار می‌کنم - این اثر را به مثابه ابزار آشنایی، کار گیرند و، وقتی آن را به اتمام رساندند، به طور مستقیم به آثار کوماراسوامی رستون با زبان اصلی آنها مراجعه کنند. آن‌گاه از آن آثار به مطالعه متون کلاسیک مشخشی درباره سنت در تمام ادیان جهان و فیلسوفان پیش از دوران مدرن به زبان اصلی آنها هدایت شوند.

این کتاب در ضمن حاوی مضامین متعددی درباره‌ای فرعی‌ای است که از شرح سنت در آثار کوماراسوامی و گشودن تفکیک‌پذیریهاست. از این مضامین طی کتاب به تفصیل بحث شده است، اما به طور خلاصه بگویم که آن‌ها از این قرارند که اصول اولیه سنت - فلسفه جاویدان^۱ - اصولی اساسی‌اند و اینکه، چه هر از ذات زاده می‌شود؛ و اینکه جوامع سنتی کاملاً متأثر از این اصول اولیه و بدین سان یکدل و یکپارچه بازتابنده اصول اصلی بودند؛ و اینکه یک ویژگی اصلی و بارز فرهنگ سنتی فقدان انشقاق، یا به بیان دیگر تجمیع، امور قدسی و غیرقدسی است؛ و اینکه صفت «سنتی» دربرگیرنده جوامع پیشامدرن فاقد سواد یا قبیله‌ای و تمدن‌های فرهیخته است؛ و سرانجام اینکه، به سبب چرخه‌های محتوم با ادوار

1. *Intellige ut credas*

2. *the philosophia prennis*

زمانی متفاوت، جهان مدرن در حال حاضر عملاً به‌تمامی سکولار و بنابراین، نقطه مقابل امور سنتی است. در این کتاب کوشش شده است تا هم برای دانشجویان فعلی راه سنت و هم برای کسانی که تازه به عرصه مطالعه در این زمینه پا نهاده‌اند توالی این مضامین یا نظریه‌های فرعی و حتی ارتباط متقابل میان آنها روشن شود.

با نگاهی دوباره به مفهوم مضمون اصلی و نظریه‌های فرعی، باید به دو نکته اعتراف کنم. اول اینکه بحث‌های مندرج در این کتاب در باب فلسفه مدرن و جهان‌بینی قرون وسطا صرفاً به‌اجمال مطرح شده‌اند و منظورم از طرح این نکته آن است که اگرچه آشنایی من با این مسائل به اندازه کافی است، در هیچ کدام از این دو عرصه متخصص هم نیستم. در واقع، این دو بحث، به‌انضمام بخش‌های دوم و سوم کتاب به‌طور کلی، خود می‌توانند موضوع کتاب‌هایی به حجم همین کتاب محسوب شوند. این عرصه‌ها به‌طور کلی و بدون ذکر جزئیات بررسی شده‌اند تا هدف بزرگ مطرح کردن موضوعات سنت‌گرایانه در چارچوب کلی آن برآورده شود. نکته دوم آن است که در این کتاب عمدتاً از ضمیر مذکر در زبان انگلیسی استفاده شده است. این کار دلایل متعددی دارد که اینجا مجال ذکر آنها نیست، اما راقم این سطور به استناد آگاه است و مایل است همین‌جا اشاره کند که در تمام مواردی که بحث جنسیت مطرح نیست ضمیر مذکر آورده شده و این کار صرفاً به رعایت دستور زبان مربوط می‌شود. من هیچ‌گونه بی‌احترامی به کسی در میان نبوده است.

سرانجام، نویسنده مایل است درباره زندگی و آثار فیلسوف جوان به نکته‌ای اشاره بکند. خواننده خود درخواهد یافت که در متن این کتاب نسبتاً به‌ندرت درباره شوان حرفی زده شده و از مجموعه آثار چشمگیر او در باب امری سنتی نیز از معدودی از آنها نقل‌قولی انجام گرفته است. این امر بدان سبب است که اخذ رویکردی تاریخی را ترجیح داده‌ایم و قرار را بر این گذاشتیم که در ابتدا از کوماراسوامی و گنون آغاز کنیم و بر این دو متمرکز شویم، که به بیان سمبلیک همانند دو ستون استوار «بوعز» و «یاکین»^۱ اند که ساختار معاصر یا مکتب تفکر

سنتی بر پایه استوار آثار و افکار آنان بنا شده است. در عین حال، باور من این است که شوان، که مهم‌ترین آثار خود را در نیمه دوم سده بیستم منتشر کرد، می‌تواند به نوبه خود هم‌تا و هم‌تراز کوماراسوامی و گنون و در عین حال متفاوت با گنون، درست همان‌طور که گنون و کوماراسوامی با هم تفاوت‌هایی دارند، در نظر گرفته شود. من کسانی را که با مجموعه آثار منتشرشده او آشنایی ندارند تشویق می‌کنم که آنها را بخوانند و درک کنند و برای شروع هیچ‌جا بهتر از کتاب سید حسین نصر با عنوان نوشته‌های اصلی فریتجوف شوان نیست. من با عقیده دکتر نصر در آن کتاب موافقم که می‌گوید: شوان «مهم‌ترین شارح زنده حکمت جاوید است که در بطن تمام ادیان الاهی قرار دارد».